

Hadi_Esmailzadeh

Doctor en Droit

Avocat a la Cour

216 Ave. Mossadegh - Téhéran

tel: 649713

دکتر هادی اسماعیل زاده

وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

تهران - خیابان مطبق - چهارراه امیراکرم - شماره ۲۱۶

تلفن ۶۴۹۷۱۳

روزنامه های نظم و انضام ، جمهوری اسلامی ، آزادگان

نظر به اینکه در طبقه آخر نامه مورخ ۱۹/۴/۵۹ اینجانب :

مدرسه تاریخ بهاری آقای آقای نوری بهرام نام از هم به :

در روز ۲۹/۴/۵۹ اینجانب علیه حد فخر یک مدرسه

مدرسه تاریخ ۲۹/۴/۵۹ در کل با مدرسه که در این علیه نیز

بمبارس اعلام داشته است که در برابر آن از حکم

و زمانه است .

بنابراین است و در وقت این چنین نام را با او در تاریخ

مدرسه تاریخ ۵ در روزنامه درج نمائید .

هادی اسماعیل زاده
۱۹/۴/۵۹

۴۰/۵

لاهوری گنتہ ان لقی سے روزات منداہ میں دیکھیں

دین میں تمام احادیث و روایات سے ہم

خاتم تمام بہ لاهور گنتہ میں منداہم قصات راہ عدہ

حتمہ دیکھیں۔ لاهور گنتہ میں منداہم قصات راہ عدہ

روایتی راہ باجہرہ تک ہم

تمام تمام گنتہ میں راہی بہ روایتی راہ عدہ

منداہم۔ تامل سے ہم راہ گنتہ سے تامل سے

در گنتہ میں کہ۔ تامل سے تامل سے

دین میں گنتہ میں تامل سے تامل سے

ان لقی اور گنتہ میں تمام راہی میں راہ عدہ

کہ خدائے از انہا میں بہ راہ عدہ

• راجہ روایتی، صدر الحافظی، رفیعی، داروینی،

• ہادی، ایرانی، ہادی، ہادی

خاتم تمام منداہم کہ انہا لقی میں ہر کس نظر دہندہ راہ گنتہ میں دقت

دین میں راہ باجہرہ تک

۵۹، ۶۱

تفنی ساعت ۳ تا ۴ گھنٹہ کے

آج راجہ پر کھلا تعظیم گھر فونہ ، عبادت گاہ کے سلسلہ ؟ زیادت مارگاہ
عقب نماز اہر انساہ

تفنی

ہمیں : بیان ہے کہ اس وقت پر علم اے ، تدبیریں نہایت باہمی تھیں اور ہر گاہ
بڑھتی تھی ، آج ہم نے کئی اتنا ہے قدرت

تفنی : میں میری دیکھنے دیکھنے ہاں میں ہوں لیکن ، راجہ بہ ان وقت
میں تھے ، خود خاصانہ کے تھے اس لیے کہ (کچھ سے سکھانے
تھیں)

ہمیں : کیا آخری نظر دریا ؟ چاہت تھا اس لیے ؟ اس لیے
راجہ کے پورے

تفنی : میں نے علم پر نہایت آواز اور کدور کردی ، چھٹی پر رہا ؟

ہمیں : لفظ جمع ہی ، تدبیر مطالب رہا ، اہم اہم بہ بلا ت
کہ یہ تھی

تفنی : آج راجہ کے حضرات ، ~~تھیں~~ تھے ، راجہ کے سکھانے
موجب ہضم ، قدریں تھیں سکھانے حضرات راجہ کے

اگر جمع رہتے تھے ہم میں کئی بہ جہت میں عصر کے فاعل
بہ قدریں سکھانے ، نگہ اف نہیں دیکھنے ، مانتی تھا اس وقت بھی

۴۲/۵

(۵)

حسین : تقدیر بیهوشی در فکر نمیکنم در دروغ باغ از آنکه نکرند تازه حضرت زکریا بر کلاس آمد
فدای راه نشاءات . تدوین رسالت بهائی اگر در کتب آتیه است را در آن
فدای راه نشاءات

آقای : پیشتر این رسالت بیهوشی نمیکنم

حسین : سبب در دروغ زناها سبب راه نشاءات است آقای در دروغ زناها هم هست اما در
رسالت بهائی است این دروغ زناها هم هست سبب سبب سبب سبب سبب سبب
که هستی با رتبه نمیکنم . ۲۴ رتبه است که در سبب رتبه است که در سبب
سبب است یعنی هست ، اعتدال بخشنده ، از زوال به صلوات الله علیه است ، در
دروغ زناها نشاءات است ، اما در ۲۴ رتبه است ، دروغ زناها نشاءات

آقای : سبب بهائی ... که در سبب است ؟

حسین : بر روی کرم نشاءات ...

آقای : نشاءات ...

حسین : در دروغ زناها نشاءات از زوال به صلوات الله علیه است ، دروغ زناها نشاءات
هم دروغ زناها نشاءات است که در دروغ زناها نشاءات است . هیچ (درین دروغ زناها نشاءات)

هم دروغ زناها نشاءات

آقای : در این رسالت نشاءات است ، هر کس به سبب از اقلین راه نشاءات است حتی هیچ رسالت
در کتب بهائی است (در این رسالت نشاءات است) در زوال به صلوات الله علیه است
پس این است ، حاجب لایق

حسین : قدرت را با بی بی راه ، قدرت را با کس

۴۳/۵

(۴)

تھی : گدیہ افرونی و آلودیش ، گدیہات ہارنات و ہارنات ہارنات

ہیں : آداستہ و ہنگی آرونا ہنگدانه ہانہ

تھی : (مار گدیہ ، اگر جیستہ رنگر شاں سلی) گدیہ : ہانہ

ہیں : لہتہ ہا تہ لہتہ شہہ ، ہا ہانہ کہ ~~ہانہ~~ رارہ ہانہ ، لہتہ ہانہ ہانہ

مادر : ای دلیت ای تہ ہانہ ، ہانہ گدیہ سلی ، ہانہ گدیہ گدیہ

تھی : رہا لہتہ ات ہانہ سلی ہانہ

ہانہ : ہم لہتہ تہانہ ہانہ لہتہ ہانہ ، ہانہ لہتہ ہانہ

تھی : ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ ہانہ ؟

ہیں : ہانہ لہتہ تہانہ (مادر : ہانہ لہتہ تہانہ) تہانہ لہتہ تہانہ

ہیں : ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ

ہانہ لہتہ تہانہ ہانہ لہتہ تہانہ

تھی : ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ

تھی : ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ

تھی : ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ

تھی : ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ

تھی : ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ

تھی : ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ

تھی : ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ

تھی : ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ ، ہانہ لہتہ تہانہ

۲۴/۹

(۶)

هین : ~~کندک~~ کنده
کندک : کنه است هو در نگاه کنی کند
هین : قدرتی صبر کنده

کنده : تفتی این را قدری ندارد
هین : بنده این باهنگما کنه در آنه است
تفتی : کنه ستم و اولی ستم
هین : کنه جان محمد کنه است او محمد کنه
کنده : کنه این ستم کنده

www.iran-archive.com

۲۵/۱

۵۸۴۷۰
۲۱۴۱۵
۲۱۴۱۵

۵

"دادگاه انقلاب" صلاحیت محاکمه مبارز ضد رژیم شاه را ندارد

چنین محاکمه‌ای می‌تواند فقط در دادگاههای عمومی و با حضور هیئت منصفه انجام شود

آقای دکترهای اسماعیل زاده و کیل مدافع محمدتقی شهرام، نامه‌ای خطاب به آقای دکتر بنی صدر ریاست جمهوری ایران نوشته است که قسمتهاً می‌آورد: «این اطلاع هموطنان مبارز می‌رسانیم: "از آنجا که بموجب اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مسئولیت اجرای قانون اساسی بر عهده شماست و از آنجا که نامه‌ها و تلگرافهای انتحالی به آقای دادستان کل انقلاب ساکنون بدون پاسخ مانده است و با آنکه بنظر میرسد کوشش‌های خود ندارد، تا که بر مسئولیت شما را در قبال نفس قانون اساسی برای ثبت در تاریخ خاطرتان می‌سازد که اسماعیل زاده در ادامه نامه خود به دستگیری بدون دلیل محمدتقی شهرام که در تاریخ ۵۸/۴/۱۱ اتفاق افتاده است اشاره می‌کند و با آنکه در صورتی که منظور از این زنده است و محاکمه وی ندارد که حربه ای است علیه سازمانها و نیروهای انقلابی، وی همچنین به شرایط بدی که در زندان برای تقی شهرام بوجود آورده اند اشاره نموده است. اکنون به بخش دیگری از نامه دکتر اسماعیل زاده توجه کنید که طی آن به معرفی موکل خود تقی شهرام پرداخته است:

محمدتقی شهرام کیست؟

شهرام یکی از فرزندان خلف مردم شریف و زحمتکش ماس، وی از ابتدای جوانی بمبارزه علیه ستمگری، حفقان و استبداد رژیم شاه خائن برمی - خیزد. در هیجده سالگی بنایانه گذاری یک جمع مذهبی سیاسی به اتفاق چندتن از دوستانش به مطالعه سیاسی و امر خودیازی می‌پردازد. با ورودش به دانشگاه فعالانه در مبارزات صنفی و سیاسی

دانشجویی سرگرم می‌گردد که از آنجا که او را از آنجا می‌سازد همواره در صف اول نظام مبارزانه و هنرمند در سر با کردن اعضا با دادخواستی بنامش بود است. شهرام در سال ۴۸-۴۷ یعنی زمانی که همه ائمه را محالقی ساده علیه رژیم شاه مجازاتی سکن بدستال دارد، تصویب یک سازمان مخفی که هدفش مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم شاه و قطع سلطه امپریالیستهای رمنهن می‌باشد، درمی‌آید

اینک سازمان در سال ۱۳۵۰ بنام سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام موجودیت می نماید در شهریور ۵۰ زمانیکه سازمان مورد تورش در خمیان ساواک قرار می گیرد، وی به همراه سعید محسن، علی باکری، رضا ثانی، ناصر مازنی و دهها مجاهد قهرمان خلق که خون اعلی آنان به پیشگاه انقلاب خلق ما اهدا شده و درخت انقلاب مردم ما را آبیاری نموده است، دستگیر و سه سالها در ساواک منتقل میشود. در آنجا به تخت شلاق بسته میشود و شکنجه های مختلفی را تحمل می نماید. بعد از گذراندن مراحل مختلف شکنجه و بازجویی در شکنجه گاه ها وین در دادگاه های نظامی شاه مدافع آزمان و خلق خود پرخاش و بهمین دلیل نهاده مجازات یعنی ده سال زندان محکوم میشود. وی در زندان نیز آزادی نمی بیند بطوریکه پلیس زندان تا گزیر میشود اتهام توهین به مقام سلطنت وی را به زندان تباری تبعید نماید. در زندان تباری نیز دست ازمبارزه و آقاگری بر نمی دارد. چندین اعتصاب عمومی علیه زندانیان تباری می نماید و در دو به همراه شهید حسین عزتی به کار آگاه هگران و سلطنتی روی افسر شرافتمند و معاون زندان تباری می پردازد. و بالاخره موفق میشود به اتفاق، با مفاد قابل توجهی اسلحه، مهمات و بی سیم و... از زندان فرار کرده و در بهار ۵۲ به سنکر همزمانش در تاران مجاهدین خلق پیوندد. از آن پس در زیر بندترین بنگردهای پلیسی و در خفقان آورترین اتمام حیات سیاسی مردم ما، در حالیکه عضو کماندو رهبری سازمان مجاهدین خلق بوده مبارزه ای جوشین و مسلحانه علیه رژیم شاه تا اتمام میدهد.

دکتر اسماعیل زاده در ادامه معرفی می شهرام به طرح اعدامهای انقلابی مستشاران خونخوار آمریکائی و مزدوران پلیس شاه اشاره نموده و اضافه کرده است که تا شیر این عملیات و فعالیتهای جسمگیر علیه رژیم نبود که موجب کردید نام تقی شهرام در راس لیست افرادی قرار بگیرد که شدیداً از طرف ساواک و کمیته مشترک مورد پیگرد و تعقیب بوده اند. وکیل تقی شهرام در بخش دیگری از نامه خود به رئیس جمهوری نویسد:

"موکل من در تاریخ ۵۸/۴/۱۱ دستگیر و توسط ماموران کمیته مرکزی باچشان بسته به نقطه نامعلومی برده میشود و پس از ترتیب دادن مجنه اعدام به سلولهای انفرادی زندان قمر منتقل میگردد. در تاریخ ۵۸/۴/۱۱

۵۸/۴/۲۶ به خانه امنی منتقل میشود و توسط عوامل مشکوک که اینک برخی از آنان اردستانه دادستانی طرده شده اند تحت انواع شکنجه های روحی سه بار مورد بازجویی قرار می گیرد.

دوم شهریور ما ۵۸ یکی از یادگارانهای لویزان منتقل میشود، در این زندان احمد رضا کریمی عامل خود فروخته ساواک ظاهراً بعنوان زندانی و در حقیقت برای حاسوسی بمدت ۴ ماه و نیم در کنار او قرار می گیرد و از او بازجویی بعمل می آورد.

در تاریخ دهم بهمن ماه ۵۸ یعنی پس از ۷ ماه گذران در سلول های انفرادی، تحمل شکنجه روانی و غل و زنجیر و تحمل صحنه های اعدام، بدون اجازت استفاده و هوای آزاد و ریستن در خانه های امنی که تشخیص روز و شب در آن مقدور نیست به سلول انفرادی اوین منتقل می گردد. در زندان اوین توسط اصغر میرزا جعفر غلاف که در نمایش تلویزیونی رژیم شاه ضمن ایرازندامت، انقلابیون ایران را بدلیل مبارزه با شاه مورد نکوهش قرار داده است، مورد بازجویی قرار می گیرد.

در این مدت از درد شدید معده، دردی و خورشیزی لته گرفته تا ریزش مو و ناراحتی پوستی و درد کلیه رنج میبرد بدون اینکه برای معالجه وی جاره اساسی اندیشیده شود. در حالیکه پس از یکسال از تاریخ بازداشت این مبارز بزرگ در شرایط بدتر از زندانیان رژیم سابق می گردد، اولین بار پس از نه ماه امکان ملاقات با خانواده اش را پیدا میکند و پس از ۴ نوبت از ملاقات با خانواده اش تا این لحظه ممنوع می گردد. تاکنون به اینجانب اجازت ملاقات با وی داده نشده است و می خواهند او را بدور داشتن وکیل به بهانه تنگی اطاق در یک دادگاه غیر علنی محاکمه کنند. آیا امپریالیسم از مشاهده چنین رفتاری با یک انقلابی شادمان نمیگردد؟ آیا وقت آن نرسیده است که به حیثیت و هدیه های انقلاب ایران نظری دوباره بیفکنیم؟ در قسمت دیگر نامه دکتر اسماعیل زاده در مورد آنها موکل خود تقی شهرام می نویسد:

اتهام او چیست؟

"در اطلاعاتیهای مختصری که دادستانی انقلاب تا کنون انتشار داده است آقای محمد تقی شهرام متهم به شرکت در قتل مجید شریف واقفی و مرتضی صمدیه

در مورد شهادت مرتضی صمدیه لیاقتاً باید لازم توضیح نباشد که وی در دادگاههای نظامی رژیم شاه محاکمه گردید و بدلیل عدم سازش با رژیم منحوس پیشین بجوخه اعدام سپرده شد و همان موقع نیز خیر اعدام نمیشد بهمراه عدهای دیگر از مجاهدین و مبارزان به اتهام شرکت در اعدام انقلابی مستشاران جاسوس آمریکا و ... در روزنامهها درج گردید . علاوه بر این بخشی از صورت جلسه دادرسی پرونده های عدهای از قضات و بازپرسان دادرسی ارتش که در روزنامه های عصر تهران مورخ پنجم، ششم و هفتم آذرماه ۵۸ درج گردیده صریحاً بر این واقعیت ، تأکید و تأکید دارد که شهید مرتضی صمدیه لیاقتاً بدست مزدوران ساواک و دادرسی ارتش مورد بازجوئی ، بازرسی و محاکمه قرار گرفته و محکوم به اعدام گردیده است . با این توصیف منتسب کردن قتل صمدیه لیاقتاً به محمدتقی شهباز قهرگونه اعتبار نبوده و تنها میتوان بعنوان دروغی آشکار که نیازی هم به تکذیب ندارد آن نام برد .

اما در مورد اتهام "شرکت در قتل مجاهد شهید ، مجید شریف واقفی" دلایل غیر قابل انکار روشا هد و اما رات بی شماری وجود دارد که نشان می دهد موکسل اینجا نبه جوجه مباشرتی در قتل شریف واقفی نداشته است . مهمترین بخش این دلایل را میتوان در اسناد و مدارک موجود در بایگاتیهای ساواک و دادرسی ارتش جستجو نمود و علاوه اعترافات مفصل کسانیکه در جریان قتل مجید شریف واقفی مستقیماً شرکت داشته و یا عمل قتل شریف واقفی را رهبری مکرده - انده مگی گواه ایست که موکل اینجا نبه هیچ وجه مباشرتی در این قتل نداشته است . بعنوان مثال صورت جلسه های جریان دادرسی پرونده ۵۵ تنسن از امراء واقسران سابق اداره دادرسی ارتش در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی مرکز میتواند مورد ملاحظه واقع شود . بنا بر این اتهام "شرکت در قتل مجید شریف واقفی" واهی و کذب محض است زیرا علاوه بر اینکه مدرک و سندی برای ایراد چنین اتهامی وجود ندارد تماماً اظهارات و اعترافات کسانیکه در سال ۵۵ در جمله به اتهام قتل شریف واقفی بجوخه اعدام سپرده شدند گواه بر این است که موکل اینجا نبه محمدتقی شهباز مباشرتی در قتل شریف واقفی نداشته است"

دکتر اسماعیل زاده وکیل مدافع محمدتقی شهباز آنگاه سوال میکند :

به چنین اتهامی را دارد؟

"اتهام انتسابی بدلیل آنکه مربوط به وقایع و اختلافات درون یک سازمان انقلابی در سالهای سیاه خفگان و در جریان مبارزه علیه دشمن محسوس و دلال امپریالیسم جهانی است نمی تواند بطور انتزاعی و جدا از کل سازمان انقلابی و نقش این سازمان در کل جنبش انقلابی مورد بررسی قرار گیرد . دکتر اسماعیل زاده پس از توضیحاتی پیرامون رابطه فرد و سازمان نامه خود را چنین ادامه میدهد : "روشن است که دادوری در مورد عملکرد سازمانهای انقلابی سیاسی بطور انتزاعی از عهده موازین حقوقی خارج وبدون فایده است زیرا بر مبنای اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک درون جنبش انقلابی در مبارزات سیاسی ایدئولوژیک و بحث و تبادل نظر درون جنبش به نتیجه خواهد رسید .

از اینرو رسیدگی به اتهام انتسابی بموکل نه تنها از نقطه نظر کیفیت آنها موشرایط زمان وقوع بلکه مستنداً به قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز در صلاحیت ذاتی دادگاهها انقلاب نیست زیرا :

الف - حتی اگر بخواهیم برخلاف کلیه اصول حقوقی آقای محمدتقی شهباز را از کل سازمان انقلابی که در آن عضویت داشته است منترع نموده و مسئولیت تصمیمات متخذه توسط سازمان را بر عهده او قرار دهیم اتهام انتسابی یکا آنها سیاسی است در اینجا وکیل مدافع از تقی شهباز منقل قولاً زیر را میورد :

"اگر اختلافات درونی یک سازمان سیاسی انقلابی که منجر به برخورد میان عدهای از اعضا آن شده است ، سازمانی که تمام سوابق زندگی و فعالیتش مشحون از مبارزه - ای آشتی نا پذیر با رژیم شاه و امپریالیسم آمریکاست موضوعی دقیقاً سیاسی نباشد پس چه مسئله دیگری و ادعا در چه موضوع دیگری میتواند سیاسی تلقی شود؟" وکیل سپس می افزاید :

"و چون بموجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که علاوه بر اینکه قانون مادر است موخر بر تصویب قانون دادگاههای انقلاب و ناقص آنست ، رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکمه دادگستری صورت می گیرد " دادگاه انقلاب فاقد صلاحیت رسیدگی به اتهام انتسابی است .

ب- بفرس محال که آنها را انتسابی راساسی
 انداخته و برخلاف تمام اصول و قواعد حقوقی در ردیف
 انتسابات عادی تلقی نماید و در مورد نقض قانون
 تشکیل دادگاههای انقلاب بوسیله قانون اساسی
 نیز تمام مح نامشیم، دادگاهها انقلاب بموجب قانونی
 که موجود است فاقد صلاحیت برای رسیدگی به اتهام
 انتسابی به آقای محمدتقی شهرام است زیرا بموجب
 ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاههای انقلاب مصوب
 ۵۸/۳/۲۷، این دادگاهها "بمنظور رسیدگی به جرائمی
 که قبل از پیروزی انقلاب برای تحکیم رژیم پهلوی
 و ایجاد و حفظ نفوذ بیگانگان صورت گرفته است
 پس از پیروزی انقلاب بر ضد انقلاب اسلامی ملت ایران
 روی داده و یا میدهد... تشکیل شده اند".
 "براستی چه کسی میتواند مبارزات پیگیر
 موکل مرا علیه رژیم پهلوی با هدف سرنگونی
 آن انکار کند؟ لازم به توضیح نیست که انتسابی
 حداقل بدلیل زمان واقعه نمیتواند بر ضد انقلاب
 اسلامی تیز باشد.
 علاوه بر این ماده ۲ قانون مذکور موارد صلاحیت
 دادگاه انقلاب را بطور حصری چنین تعیین کرده است:
 ۱- قتل و کشتار بمنظور تحکیم رژیم پهلوی و سرکوب
 مبارزات مردم ایران به امریت و مباشرت.
 ۲- حبس و شکنجه مردم منبأ رزبه امریت و مباشرت.
 ۳- جنایات بزرگ اقتصادی یعنی غارت بیت المال
 و یا ائتلاف ثروت کشور بمنفع بیگانگان.
 ۴- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران با اقدام
 مسلحانه و ترور و تخریب موسسات و اجاسوسی بمنفع
 اجانب.
 ۵- سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف، ساختن، وارد
 کردن یا پخش مواد مخدر.

با توجه به تبصره ذیل همین ماده که مقرر میدارد
 "رسیدگی به جرائم خارج از موارد مشروحه فصول در
 صلاحیت دادگاههای انقلاب اسلامی نیست و در صلاحیت
 دادگاههای دادگستری نظامی میباشد" آیا
 کوچکترین تردیدی در مورد عدم صلاحیت دادگاه انقلاب
 وجود دارد؟

آقای رئیس جمهور:

آیا تا سفاکیز نیست که علی رغم نص صریح قانون
 اساسی جمهوری اسلامی از رژیم شاه گام از عقب
 نهاد و متهمین سیاسی را از دانتن وکیل محروم کنیم؟
 این درد آور نیست که قانون اساسی را با کدیت
 کمتر از یکسال از تصویب آن نقض نمائیم؟
 آیا زمان برای بدعتی چنین خطرناک خیل
 زود نیست؟

این تا سفاکیز نیست که در طبیعتا استقرار
 نهادهای جمهوری اسلامی انقلابی صادق که نیمه
 از عمرش را صرف مبارزه برای پیروزی انقلاب کرده
 اس در دادگاههای محاکمه شود که برای رسیدگی به
 جرائم ضد انقلابیون تشکیل شده است؟
 این مصیبت نیست که نیرو و توانمان را بجای
 صرف محو سلطه امپریالیسم در ره قایتها و کشمکشهای
 داخلی بر سر قدرت بریزیم؟

وبالآخره وکیل محمدتقی شهرام نامه خود را با این
 سوال به پایان می برد:
 "نظایر آینده به ما چه خواهد گفت و قسطنطینی
 نحو اند دادگاهها برخاسته از انقلاب ضدا میسر
 بالنسبتی یکی از مبارزان ضدا میریالیست را
 برصندلی اتهام نشاندید و...؟"

کمیته دفاع از تقی شهرام



۴۹/۱

Hadi - Esmailzadeh

Docteur en Droit

Avocat Inscrit Au Barreau De Téhéran

216 Ave. PAHLAVI TEHERAN 13

Tel. 649713

هادی اسماعیل زاده

دکتر و حقوق

وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

تهران ۱۳ - خیابان پهلوی - شماره ۲۱۶

تلفن ۶۴۹۷۱۳

بایک ششم دادگاه از دادگاه به سوی تهران

بر روی برگه‌های مندرج شماره ۵۹ ر ۳۲۶ و ۵۹ ر ۱۱ و ۵۹ ر ۱۸ و ۵۹ ر ۱۵۹ بایکات و بایکات مندرج ۵۹ ر ۲۲
 خواننده آقای قاسم، نظیر بایکات در این لحظه (صحت ۳ با مدار مندرج ۵۹ ر ۲۵) که من کز
 صحت به آغاز حکایت باقی نموده است، علاوه بر اینکه از ابلاغ کفر خیرات و وقت دادگی
 به این بایکات بخرد دراری نموده اند علیه هم رهنما بایکات مکرر در کمر رهنه برنده آقای را برای مطالعه
 در افتنا هم گذارنده و نه اجازه ملاقات با منکم صادره اند تا گزینی است خاطر من و سز که اینها
 حکایت بدین ترتیب بر خلاف قانون است لذا با توجه به اصول قانون اساسی عهدی اسلامی
 ایران را با جلب توجه به مستندات خطیری که در قبایل قانون اساسی داهل عدالت
 عدالت اسلامی در این وقت و ناگفته بگویند تا این:

- ۱- وقت دادگی را تجدید نموده تا باغ قلبه را به بخوی که دست مطالعه برنده باشد تعیین دیم
- ۲- ترتیب ملاقات و بایکات با درکل داره کرد
- ۳- برنده و تماس را عدالت مطالعه و افتنا را بایکات قرار دهند

مدرک: تم: در حضرت آیت اله منتظری
 وقت بایکات عهدی
 آقای در تان سنل کرد
 بایکات در این لحظه کرد
 آقای در تان سنل انصاف

تعمیرات آقای
 دکتر محمد تقی
 ۵۹ / ۴ / ۲۵
 صحت ۳ با مدار

روزهای به بهار - اطراف کتایب عهدی، نقاشی
 آثار

HADI ESMAILZADEH

DOCTEUR EN DROIT

Avocat inscrit au Barreau de Téhéran

216 Ave Mossadegh

TEHERAN 13

Tel 649713

Au Responsable du Tribunal de la Révolution du Centre,

Suite à mes télégrammes du 4/6/80, 16/6/80, 2/7/80, 9/7/80 et le télégramme du 13/7/80 de la famille de Mohammad-Taghi CHAHRAM, vu que jusqu'à cette heure (2 h du 14/7/80) où il ne reste que 15h à 22 l'ouverture du procès, et vu que je n'ai été avisé de la date du procès et malgré mes demandes successives à vouloir étudier le dossier et rencontrer l'accusé, et que cela n'a été possible, je suis obligé de vous rappeler que le déroulement du procès dans ces conditions est contraire à la loi. Je vous invite à prendre en considération les règlements de la loi Constitutionnelle de la République Islamique vu votre haute responsabilité envers celle-ci et envers la justice islamique et tenir compte des points suivants:

- 1- la date du procès soit remise à un moment où le dossier puisse être étudié.
- 2- Qu'il me soit permis de rencontrer l'accusé.
- 3- Que le dossier me soit remis.

Avec mes respects

H. Esmailzadeh

Avocat de M.T Chahram

Copies envoyées: Bureau de l'Ayatollah Montazeri, à Ghom

Bureau de la Présidence

Procureur Général de la Révolution, Cour Suprême

Journaux: Bamdad, Ettélaat, Keyhan, Djomhourî Eslami, Engelab Eslami
Azadeghan.

Association des Juristes Démocrates.

21/3

Hadi_Esmailzadeh

Avocat à la Cour
216 Ave. Mossadegh - Téhéran
tel: 649713

دکتر هادی اسماعیلزاده
وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

تهران - خیابان معدق - چهارراه امیراکرم - شماره ۲۱۶
تلفن ۶۴۹۷۱۳

جناب آقای رئیس جمهور

نظریه اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی که مسئولیت اجرای قانون اساسی را برعهده ریاست جمهوری گذاشته است، توجه جناب عالی را به موارد آتی جلب مینماید:

مسئله استحضار رسید که محاکمه آقای محمدتقی شهرام بعد از ظهر روز دوشنبه ۵۹/۴/۳۳ در دادگاه ویژه بدون حضور وکیل مدافع آغاز شد و چون دادگاه نخواست حقوق متهم را رعایت کند، موکل نیز از شرکت در محاکمه خودداری نمود. دادگاه متقابلاً بدون آنکه دلائل موکل را در معرض قضاوت عموم قرار دهد تصمیم گرفت وی را غیاباً محاکمه کند. ولی انجام این محاکمه بدلائل زیر برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی و اصول عدالت اسلامی است:

الف: عدم صلاحیت دادگاه انقلاب برای رسیدگی با اتهامات انتسابی

اولاً: نظریه اینکه اتهامات انتسابی مربوط به مسائل درون تشکیلاتی سازمان انقلابی در سالهای خفقان آور ۵۵-۱۳۵۳ است. اتهامات همچنانکه نماینده دانستنی انقلاب بهنگام دفاع از صلاحیت و اظهار رداشته اند سیاسی است که بموجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه های عمومی با حضور هیات منصفه است.

ثانیاً: بر فرض محال که اتهامات انتسابی را سیاسی ندانیم، بموجب ماده ۲ قانون تشکیل دادگاههای انقلاب، این دادگاهها صلاحیت رسیدگی به اتهامات انتسابی به آقای محمدتقی شهرام را ندارند. آقای معادیخواه معتقد

است: "سرکوبی مبارزینتی که با رژیم گذشته مبارزه داشته اند یکی از جنایات هائی است که رسیدگی به آن به تصریح آئین نامه شورای انقلاب در صلاحیت دادگاه انقلاب است" اما این استدلال يك ماده در به مطلوب بیفتن نیست زیرا:

۱- بموجب بند ۱ ماده ۲ قانون یادشده رسیدگی به جرائم "قتل و کشتار بمنظور تحکیم رژیم پهلوی و سرکوب مبارزات مردم ایران به آمریت و مباشرت" در صلاحیت دادگاههای انقلاب است. در این بند "سرکوب مبارزات" عنوان شده است و نه "سرکوب مبارزان" و اگر مفهوم "سرکوب مبارزات" را با "سرکوب مبارزان" یکی بدانیم با یتی سرکوبی مبارزان با هدف "تحکیم رژیم پهلوی" باشد، نه بعلت اختلافات درونی يك سازمان انقلابی. علاوه بر این ماده يك همان قانون فلسفه تشکیل دادگاههای انقلاب را چنین عنوان میکند: "رسیدگی به جرائمی که قبل از پیروزی انقلاب برای تحکیم رژیم پهلوی و یا ایجاد و حفظ نفوذ بیگانگان صورت گرفته است یا پس از پیروزی انقلاب بر ضد انقلاب اسلامی ملت ایران روی داده یا میدهد" بنا بر این چگونه میتوان يك مبارز ضد رژیم

شاه و يك ضدا میریالیست را در دادگاهی محاکمه نمود که هدف از تشکیل آن محاکمه کردن کسانی است که برای تحکیم رژیم پهلوی و حفظ نفوذ بیگانگان کوشیده اند. ۲- تصویب صلاحیت دادگاه انقلاب توسط شورای انقلاب برای رسیدگی به اتهامات آقای محمد تقی شهرام خود گواه عدم صلاحیت دادگاه انقلاب است، زیرا هرگاه دادگاه انقلاب بنظر گردانندگان آن صلاحیت میداشت نیازی به مصوبه شورای انقلاب برای يك مورد خاص نبود. گذشته از این همه میدانند قانونگذار عادی نمیتواند قانونی برخلاف قانون اساسی تصویب نماید و چون رسیدگی به اتهامات سیاسی بموجب قانون اساسی در صلاحیت محاکم عمومی است نتیجتاً مصوبه شورای انقلاب که آقای معادیخواه برای صلاحیت دادگاه خود بدان استناد

۵۳/۱۹

کرده اند بعلت تناقض با قانون اساسی فائده تبار قانونی است .

ب: نقض حقوق متهم

بموجب اصول مسلم حقوقی ، هرگاه انجام محاکمه توأم با نقض متهم باشد برخلاف قانون است و حقوق آقای محمدتقی شهرام با نقض مورد نقض شده است :
اولاً: بموجب اصل ۱۶۵ قانون اساسی " محاکمات علنی انجام میشود و حضور افراد بلا مانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد " بنابراین فقط هنگامی که علنی بودن دادگاه منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد میتواند به تشکیل دادگاه غیر علنی منسب ادراک و وزید ، نه به هر علت دیگر از جمله " محدودیت مکانی " .
ثانیاً: بموجب اصل ۳۵ قانون اساسی " در همه دادگاهها طرفین دعوی حسب دادرسی خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانائی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد " ولی موکل عملاً از چنین حتی محروم شده است .

اینجا نب در تاریخ ۵۹/۳/۴ طی تلگرافی بعنوان آقای داستان کل انقلاب که رونوشت آن برای جناب عالی ، ریاست دادگاه انقلاب و روزنامه های صبح و عصر ارسال شد آمادگی خویش را برای دفاع از آقای محمدتقی شهرام اعلام نمودم .
نامبرده نیز مراتب قبولی و کالت مرا به آقای داستان اطلاع داد . علاوه بر اینکه وکالت نامه به زندان ارسال شد طی تلگرافهای متعدد درخواست نمودم وقت محاکمه و کیفرخواست به اینجا نبا بلاغ شود و پرونده را برای مطالعه در اختیارم بگذارند اما همه این درخواستها بدون پاسخ ماند . مقامات زندان چند روز قبل از محاکمه به

سیاق بیدادگانه‌های نظامی رژیم فاسد پیشین لیستی از وکلای مورد اکتما د خود را به آقای شهرام و خانوادهاش ارائه نمودند و نقطه ساعت بیست و یکشنبه روز آقای رئیس زندان به خانواده متهم اطلاع داد که اینجانب صبح دیشنبه (روز محاکمه) برای انجام آزمایش فقهی به زندان اوین مراجعه کنم و من ناگزیر تذکر دادم که تسلیم این خواسته غیر اصولی نخواهم شد. ولی ذهن موکل چنان مشوب شده بود که ساعت سیزده و نیم روز دوشنبه ۵۹/۶/۲۳ یعنی نیم ساعت قبل از آغاز محاکمه طی يك تماس تلفنی از من خواست در صورتی که نمی ترسم و برای دفاع از ایشان به زندان اوین مراجعه کنم. وقتی پیشنهاد غیر اصولی مقامات داستانی را به موکل تذکر دادم و او در حضور رئیس زندان اظهار داشت مقامات داستانی از این خواست غیر اصولی صرف نظر کرده اند. اینجانب بلافاصله به زندان اوین مراجعه کردم ولی به جای آنکه در آخرین لحظات قبل از تمکیل دادگاه با موکل ملاقات کنم و به اطاقی هدایت شدم که حاضران دادگاه و افسران دیگری در آن حضور داشتند. از استقبال سردی که با سنتهای اسلامی و ایرانی فاصله بسیار داشت درك کردم که آنها به تصمیم خود ابراجازه ورود وکیل دادگستری "به دادگاههای انقلاب یا برجا هستند و در مقام بل پیشنهاد آنان جهت انجام آزمون فقه (چیزی که مطلقاً یا مساله پاسخگوئی به يك کیفرخواست سیاسی بی ارتباط است) مؤدیانه تذکر دادم که تسلیم هیچگونه امتحانی نخواهم شد، نه فقط بخاطر آنکه تمکین از چنین خواستی هتك حرمت حرفه بین المللی وکالت و وکلای دادگستری و دانه کده حقوق است بلکه بدان جهت که برخلاف قانون اساسی نیز هست.

بدین ترتیب مقامات دادگاه انقلاب عملاراه را بر حضور موکل در دادگاه

بستند.

۵۵/۱۹

ثالثاً: برخلاف کلیه موازین حقوقی و عدالت اسلامی به نحو وسیعی تلاش شده است که موکل را قبل از انجام محاکمه و در حین آن در افکار عمومی محکوم نمایند. بعنوان مثال از موارد غیر قابل شمارش تحریک افکار عمومی میتوان نمونه های زیر را مورد توجه قرار داد:

- ۱- بخش فیلمی از جرایان مواجهه محسن خاموشی و ۰۰۰ با خانواده شریف واقفی که در زمان شاه توسط ساواک ساخته و پرداخته شده و به نمایش درآمده بوده از تلویزیون به بهانه سالگرد شهادت مجاهد شهید شریف واقفی.
- ۲- بخش برنامه مخصوص از رادیو به همین بهانه علیه متهم و سازمان مجاهدین خلق.
- ۳- انتشار ویژه نامه ای بمناسبت سالگرد شهادت مجید شریف واقفی توسط روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۵۹/۲/۱۶ سرشار از حملات و اتهامات علیه متهم و سازمان مجاهدین خلق.
- ۴- روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۵۹/۴/۱۲ به بهانه انتشار اعلامیه روابط عمومی داستانی کل انقلاب با حروف درشت نوشته است "شهرام در اردیبهشت ۵۴ ۰۰۰۰۰۰۰ اقدام به قتل مجید نمود و سپس جسد وی را به اتهام خیانت به آتش کشید".
- ۵- روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۵۹/۴/۱۹ در صفحه اول خود با حروف درشت اعلام کرده است: "تقی شهرام قاتل مجاهد شهید مجید شریف واقفی است". همین مطلب در تاریخ ۵۹/۴/۲۴ نیز توسط روزنامه مذکور تکرار شده است.
- ۶- روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۵۹/۴/۲۴ به بهانه انتشار گزارش دادگاه می نویسد: "عصر دیروز دادگاه ویژه انقلاب اسلامی مرکز بمنظور رسیدگی

۵۶/۱

به پرونده تقی شهرام ریبرجریان انحرافی سازمان مجاهدین و قاتل مجید شریف واقفی و صمدیه ایباف ۰۰۰۰ تکمیل شد .

۷- روزنامه اطلاعات در شماره مورخ ۵۹/۴/۲۵ به بهانه گزارشی جریبان محاکمه درباره فرار جماعانه و انقلابی موکل از زندانهای معتوف ماه (سال ۵۴) چنین مینویسد: "در بین کاررهبری مجاهدین این تردید وجود داشت که طرح فرار محمد تقی شهرام از زندان ساری و پیوستن مجددا و به سازمان مجاهدین طرحی بوده است که ساواک ریخته و وسائل آنرا از زندان ساری ساواک فراهم کرده است." ۰۰۰۰

۸- روزنامه صبح آزادگان مورخ ۵۹/۴/۲۶ در صفحه آخر خود تحت عنوان "اصلا دادگاه انقلاب چه حقی دارد که قاتلان را مجازات کند؟" با چنین عبارات موهبتی از موکل یاد میکند که نقل آن شرم آور است .
و اینها همه در حالتی است که مطبوعات بندرت حتی در خواستهای قانونی اینجانب و خانواده اش را منعکس ساخته اند و حتی در طول بیشتر از یکسال بازداشت در سلولهای انفرادی بها و اجازه داده نشده است به اتهامات پاسداری کند .

پ : نقض اصل بیطرفی دادگاه

قرائن بسیار نشان میدهد که در حقیقت دادگاهی که در غیاب محمد تقی شهرام به داور و اعمال او نهسته است نه یک دادگاه بیطرف که یک نیروی سیاسی است و آنکه محاکمه میشود نه تقی شهرام که سازمانهای انقلابی است .
قاسمین یک دادگاه ویژه و گماردن آقای معادخواه (که اگر رسماً عضو حزب جمهوری اسلامی نباشد روابط بسیار نزدیکی با حزب مذکور قابل کتمان

Hadi _ Esmailzadeh

Avocat a la Cour
216 Ave. Mossadegh - Téhéran
tel: 649713

دکتر هادی اسماعیل زاده
وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

تهران - خیابان معدق - چهارراه امیراکرم - شماره ۲۱۶
تلفن ۶۴۹۷۱۳

نیست) در راس این دادگاه عالی از معنا نیست. منظور ادراشائای که حزب
جمهوری اسلامی و با برخورداری از امکانات وسیع و از جمله روزنامه مساجد
ورادید و تلویزیون و تمام تلاش خویش را برای بیرون راندن نیروهای رقیب از
صحنه بکار گرفته است و پرونده اتهامی نیز در رابطه مستقیم با برخی از نیروهای
سیاسی قرار دارد.

آقای معادیخواه علاوه بر اینکه کاندیدای نمايندگی مجلس شورای ملی
از طرف حزب جمهوری اسلامی بوده و عضو فراکسیون آن حزب در مجلس میباشد،
در سمینار انقلاب فرهنگی نیز به نمایندگی آیت اله موسوی اردبیلی عضو مرکزیت
حزب و شرکت کرده است.

آقای معادیخواه در سخنرانی های متعدد و نوسا زمان مجامع دین خلق را مورد
حمله قرار داده است. این سخنرانیها به تنهایی میتواند بیان عقاید ایشان
تلقی گردد. ولی وقتی موضوع اتهام در رابطه با سازمانی عنوان میشود کسه
مورد حمله آقای معادیخواه است و چگونه میتواند از ایشان انتظار داشته است در
دادرسی بیطرف بماند؟

آقای معادیخواه در جلسه دوم دادگاه اظهار میدارد: «امروزانگار که
دیواری کوتاهتر از حزب جمهوری اسلامی پیدا نمیشود و هر ساله بی را متوجه این
جریان میکنند.....»

و در جای دیگر به نقل قول از آیت اله طالقانی اظهار میدارد: «به ما پیام
دادند اگر با ما مخالفت کنید همه شما طالقانی و رفسنجانی و مهدوی کنی و
لاهوتی را ترور میکنیم.....»

آیا آقای معادیخواه قاضی دادگاه است یا به نیابت از دانستان اعلام
جرم میکند؟ آقای معادیخواه در همین جلسه دادگاه اظهار میدارد: «انقلاب

۵۸/۹

Hadi_Esmailzadeh

دکتر هادی اسماعیل زاده
وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

Avocat a la Cour
216 Ave. Mossadegh - Téhéran
tel: 649713

تهران - خیابان معدق - چهارراه امیراکرم - شماره ۲۱۶
تلفن ۶۲۹۷۱۳

اسلامی ایران در برابر آمریکا تسلیم نشد و چه برسد در مقابل خواست شما و سازمانی که چند ساله کش داد ۰۰۰۰

آیا این نحوه برخورد یک قاضی بیطرف است؟ و آیا بیان این مطالب تهاذه این نیست که آقای معادیخواه قبلاً تصمیمش را اتخاذ کرده است؟

آقای رئیس جمهور

چگونه میتوان در اولین گامهای استقرار نظامی جمهوری اسلامی ماند
مهاکمه‌های بود که در آن نه وکیل وجود دارد و نه متهم و نه قاضی بیطرف؟
محمدتقی شرام اما دگی خود را برای حضور در دادگاه بیطرفی که صلاحیت
رسیدگی به اتهامات او را دارد با رها اعلام کرده است. به او فرصت دیدار از خود
دفاع کند. این تنها وسیله ممانعت از مخدوش ساختن چهره عزیزین انقلاب ایران
است.

با مسئولیت خطیری که بعنوان ریاست جمهوری در برابر انقلاب و قانون
اساسی داریده، مهاکمه غیابی و غیر عادلانه‌های را که در زندان اوین در جریان است
متوقف سازید.

با تقدیم احترام - هادی اسماعیل زاده
وکیل محمدتقی شرام

۵۴۶۴۷

رونوشت: قم - دفتر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری
ریاست محترم دادگاه انقلاب اسلامی تهران
آقای دادستان محترم کل کشور
اتحادیه بین‌المللی حقوقدانان دموکرات

روزنامه‌های کیهان، اطلاعات، انقلاب اسلامی و با مداد هفت‌نوا ممانعت

س

۵۹/۱

7.19

HADI ESMAILZADEH
Avocat à la Cour
216 Ave Mossadegh
TEHERAN
Tel 649713

M. le Président de la République,

Selon l'article 113 de la Constitution, vous avez la responsabilité de l'exécution de celle-ci. Je tiens à vous informer les points suivants: Vous êtes probablement au courant du Procès de Mohammad-Taghi CHAHRAM qui a débuté le lundi 14/7/80 dans le tribunal spécial sans présence de l'avocat, et vu que le tribunal n'a pas voulu tenir compte des droits de l'accusé, celui-ci s'est abstenu d'assister au procès. Et le tribunal a ainsi décidé de faire passer en procès l'accusé sans sa présence. Le déroulement de ce procès est contraire à la Constitution de la République Islamique car:

A- Le tribunal est incapable de vérifier les accusations portées: Premièrement, vu que les accusations portées se rapportent à des problèmes organisationnelles internes d'une organisation révolutionnaire, au cours des années 74-76, le responsable du tribunal a déclaré que les accusations sont politiques. Selon l'article 168 de la Constitution, ce dossier doit être donc remis aux tribunaux ordinaires avec présence d'un jury.

Deuxièmement, dans le cas où les accusations ne sont pas politiques, selon l'article 2 de la loi des tribunaux de la Révolution, ces tribunaux ne peuvent s'occuper de l'affaire de M.T Chahram. M.Moadikhah, pense que l'accusation est "la pression dur des militants luttant contre l'ex-régime, ce qui selon les lois du Conseil de la Révolution sont des crimes qui doivent être jugés dans le cadre des tribunaux islamiques." Mais cette analyse est fausse:

16 Selon le premier paragraphe de l'article 2 de la loi citée, seul " les assassinats et meurtres visant la consolidation du régime des Pahlavi et la répression des luttes du peuple d'Iran" sont dans le cadre des tribunaux islamiques. Si l'on tient à faire croire que la "répression des militants" est la même chose que la "répression des luttes il faudrait aussi ajouter pour "la consolidation du régime des Pahlavi" et non les conflits internes des organisations révolutionnaires. D'autre part, l'article 1 de cette même loi ajoute:

" les accusations avant la victoire de la Révolution, pour la consolidation du régime Pahlavi et la sauvegarde des pénétrations étrangères, ou après la victoire de la Révolution contre la Révolution Islamique du peuple iranien". Donc comment peut-on juger un militant anti-chah et anti-impérialiste dans un tribunal dont le but est de juger les personnes voulant consolider le régime des Pahlavi et la pénétration étrangère.

2- L'approbation du tribunal de Chahram par le Conseil de la Révolution montre bien que ce tribunal n'avait pas le devoir de le faire passer en procès car il n'y aurait pas eu besoin d'approbation. Vu que selon la Constitution, les accusations politiques sont dans le cadre des tribunaux publics, donc l'approbation du Conseil de la Révolution dont se réfère M.Moadikhah, est en contradiction avec la loi.

B- Les droits de l'accusé ont été piétinés.

Selon les lois juridiques, chaque procès dont les droits de l'accusé n'ont pas été pris en considération, est contraire à la loi. Les droits de Chahram ont été bafoués au moins à trois reprises:

premièrement: Selon l'article 165 de la Constitution "les procès sont ouverts au public sauf si le tribunal juge que celui-ci est contraire au respect public ou l'ordre public;" Mais ce tribunal est à huis-clos à cause de "la limitation des places".

Deuxièmement, selon l'article 35 de la Constitution, tout accusé a droit à un avocat, et dans le cas où il n'a pas les moyens, il faut lui procurer ces moyens." Mais l'accusé est toujours privé du droit d'avoir un avocat. Le 26/5/80 j'ai envoyé un télégramme au Chef du tribunal de la Révolution, et vous ait fait parvenir une copie, dans lequel je me proposais d'être l'avocat de M.T Chahram . J'ai envoyé une procuration à la prison et demandé maintes fois de me prévenir de la date du procès et de me remettre le dossier. Mais toujours cela sans réponse. Les autorités de prison ont montré une liste d'avocats de confiance à Chahram et à sa famille, faisant ainsi rappeler les tribunaux militaires du Chah. Di manche à 20h le responsable de la prison prévient la famille de Chahram que je dois me rendre lundi à la prison d'Evine pour passer un examen de religion. J'ai déclaré que ce voeu est inadmissible. Mais l'esprit de l'accusé étant très tourmenté, celui-ci m'appela à 13h30 le lundi 14/7/80, c'est-à-dire une demi-heure avant le procès, me demandant que si je n'avais pas peur de me rendre à Evine pour le défendre. Quand je lui expliqua le voeu des autorités, celui-ci me

déclara que les autorités s'abstenaient de ce vœu. Je me rendis à Evine pour rencontrer l'accusé avant l'ouverture du procès. Mais on me dirigea dans une chambre où étaient assis les membres du tribunal. On m'accueillit froidement, tout à fait contraire aux moeurs iraniens et islamiques. Je refusa de passer un examen de religion, car cela est contraire aux lois internationales de ma profession et mon garant est la faculté de Droit, et de plus cela est contraire à la Constitution. Donc les autorités de prison empêchèrent la présence de l'avocat au tribunal.

Troisièmement: Contrairement aux lois juridiques et la justice islamique, l'accusé avant et au cours de son procès a été accusé par les mass-média.

1- Diffusion d'un film à la Télévision de la Savak sur la famille de Charif Vaghefi, à l'occasion de la commémoration de la mort de celui-ci.

2- Programme à la radio accusant Chahram et l'Organisation des Modjahédines du Peuple d'Iran (OMPI)

3- Publication d'un article dans le quotidien République Islamique du 6/5/80 pour la commémoration de la mort de Charif Vaghefi accusant Chahram et l'O.M.P.I

4- Titre du journal de la République Islamique du 3/7/80 " Chahram a assassiné en mai 75 Madjid et a brûlé son corps."

5- République Islamique du 10/7/80 a titré " Chahram assassin du martyr Charif Vaghefi et répétition du même article le 15/7/80.

6- République Islamique du 15/7/80 a intitulé un article " Hier après-midi le tribunal de la Révolution du Centre s'est ouvert pour le dossier de Chahram, leader de la ligne déviationniste de l'O.M.P.I et assassin de Charif Vaghefi et Samadieh Labaf.

7- Ettelaat du 16/7/80 accuse dans un article l'évasion de Chahram en 73 comme étant un plan de la Savak.

8- Le journal Azadeghan du 17/7/80 accuse de telle façon Chahram qu'il est honteux de le mentionner.

Et cela, sans que la presse est diffusée ou rarement les revendications légales de moi et de la famille de Chahram et que ce dernier après plus d'un mois de détention n'ait eu le droit de répondre aux accusations.

C- Le parti-pris du Tribunal

Les faits montrent que non seulement le tribunal n'est pas neutre, mais ce procès est en réalité celui des organisations politiques. La formation d'un tribunal Spécial présidé par M.Moadikhak (proche du Parti de la République Islamique) prouvent bien cela. Surtout dans les conditions

où le Parti de la République Islamique possède de grands moyens, journaux, Mosquées, radio et télévision, et veut liquider ses rivaux. M. Moadikhah et non seulement député au Parlement Islamique, présenté par le Parti de la République Islamique et membre de celui-ci, mais a représenté, l'Ayatollah Moussavi Ardebil, membre du Comité Central du Parti lors du Séminaire de la Révolution Culturelle. M. Moadikhah a attaqué souvent dans ses discours l'O.M.P.I. Ces discours représentaient ses idées personnelles, mais comment peut-on penser que celui-ci va rester neutre au tribunal? Est-ce que M. Moadikhah est juge ou représente-t-il le Procureur? Celui-ci a déclaré dans la 2ème séance du Tribunal: " La Révolution ne s'est pas soumise aux USA vous pensez qu'elle se soumettra à vos vœux et ceux de votre organisation?" ou bien " Vous ne trouvez rien d'autre que le Parti de la République Islamique pour l'accuser tout le temps? " ou bien citant l'Ayatollah Taleghani: " On nous a donné un message que si vous soyez contre nous, nous vous tuerons tous: Taleghani, Rafsandjani, Mahdavi Khani, Lahouti..."

Est-ce que ce sont des paroles d'un juge neutre?

M. le Président,

Comment peut-on au cours des premiers mois de l'instauration de la République Islamique, être témoin d'un procès, sans avocat, sans accusé, et sans juge neutre? M.T. Chahram a déclaré maintes fois qu'il serait d'accord de participer à un Tribunal neutre, étant dans le cadre de ses accusations. Donnez-lui l'occasion de se défendre et évitez ainsi le bafouage de la Révolution sanglante de l'Iran. Avec la haute responsabilité que vous avez en tant que Président de la République, face à la Constitution, cessez le procès injuste qui se déroule à Evine.

Avec mes respects.

H. Esmailzadeh.

Copies: Ghom, bureau de l'Ayatollah Montazeri.

Responsable du Tribunal de la Révolution

Procureur Général du pays.

Association Internationale des Juristes Démocrates.

Presse: Keyhan, Ettelaat, Engelab Eslami, Bamdad, l'hebdomadaire Omat.

آقای رئیس جمهور!

بمسئولیت خطیری که بعنوان ریاست جمهوری در برابر انقلاب

و قانون اساسی دارید، محاکمه غیابی و غیر عادلانه‌ای را که

در زندان اوین در جریان است متوقف سازید.

جناب آقای رئیس جمهور

نظریه اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی که مسئولیت اجرای قانون اساسی را بر عهده ریاست جمهوری گذاشته است، توجه جناب عالی را به موارد آتی جلب می نماید:

مسلمانان استحضار دارند که محاکمه آقای محمد تقی شهرا مبعدا ز ظهر روز دوشنبه ۵۹/۴/۲۳ در دادگاه ویژه بدون حضور وکیل مدافع آغاز شد و چون دادگاه درخواست حقوق متهم را رعایت کند، موکل نیز از شرکت در محاکمه خودداری نمود. دادگاه متقابلا بدون آنکه دلائل موکل را در معرض قضاوت عموم قرار دهد تصمیم گرفت وی را غیبا محاکمه نماید. ولی انجام این محاکمه بدلائل زیر برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی و اصول عدالت اسلامی است.

الف - عدم صلاحیت دادگاه انقلاب

برای رسیدگی با اتهامات انتسابی

اولا: نظریات اینکه اتهامات انتسابی مربوط به مسائل درون تشکیلاتی یک سازمان انقلابی در سال - های خفگان آور ۵۵ - ۱۳۵۳ است آنها را همچنانکه نماینده دادستانی انقلاب بهنگام مدافع از صلاحیت اظهار داشته اند سیاسی است که بموجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاههای عمومی با حضور هیئت منصفه است. ثانيا: بر فرض محال که اتهامات انتسابی را سیاسی بدانیم، بموجب ماده ۲ قانون تشکیل دادگاه - های انقلاب، این دادگاهها صلاحیت رسیدگی به آنها را ندارند. آقای معادیخواه معتقد است: "سرکوبی مبارزینی که با رژیم گذشته مبارزه داشته اند یکی از جنایتهای است که رسیدگی به آن بتصریح آئین نامه شورای انقلاب

در صلاحیت دادگاه انقلاب است." اما این استدلال یک ماده دره به مطلوب نیست زیرا:

۱ - بموجب بند ۱ ماده ۲ قانون یاد شده رسیدگی به جرائم "قتل و کشتار بمنظور تحکیم رژیم پهلوی و سرکوب مبارزان مردم ایران به آمریت و مباشرت" در صلاحیت دادگاههای انقلاب است. در این بنده "سرکوب مبارزان" عنوان شده است و نه "سرکوب مبارزان" و اگر مفهوم "سرکوب مبارزان" را با "سرکوب مبارزان" یکی بدانیم بایستی سرکوبی مبارزان با هدف "تحکیم رژیم پهلوی" باشد، نه بعلمت اختلافات درونی یک سازمان انقلابی. علاوه بر این، ماده یک همان قانون فلسفه تشکیل دادگاههای انقلاب را چنین عنوان میکند:

"رسیدگی به جرائمی که فیل اریروزی انقلاب برای تحکیم رژیم پهلوی و یا ایجاد و حفظ نفوذ بیگانگان صورت گرفته است یا پیش از پیروزی انقلاب بر ضد انقلاب اسلامی ملت ایران روی داد، یا میدهد".

بنا بر این چگونه میتوان یک مبارز ضد رژیم شاه و یک ضدامپریالیست را در دادگاهی محاکمه نمود که هدف از تشکیل آن محاکمه کردن کسانی است که برای تحکیم رژیم پهلوی و حفظ نفوذ بیگانگان کوشیده اند؟ ۲ - تصویب صلاحیت دادگاه انقلاب توسط شورا و انقلاب برای رسیدگی به اتهامات آقای محمد تقی شهرا م خودگواه عدم صلاحیت دادگاه انقلاب است، زیرا هرگاه دادگاه انقلاب بنظر گردانندگان آن صلاحیت میداشت نیازی به مصوبه شورای انقلاب برای یک مورد خاص نبود. گذشته از این همه میدانندگان ننگزار عادی نمی تواند قانونی برخلاف قانون اساسی تصویب نماید و چون رسیدگی به اتهامات سیاسی بموجب قانون اساسی در صلاحیت محاکم عمومی است نتیجتا مصوبه شورای انقلاب که آقای معادیخواه برای صلاحیت

دادگاه خودبدان استناد کرده اند بطلت تناقض با قانون اساسی فاقد اعتبار قانونی است.

ب- نقض حقوق متهم

بموجب اصول مسلم حقوقی، هرگاه انجام محاکمه توأم با نقض متهم باشد برخلاف قانون است و حقوق آقای محمدتقی شهرام الاقل در سه مورد نقض شده است:

اولاً: بموجب اصل ۱۶۵ قانون اساسی "محاکمات علنی انجام میشود و حضور افراد بلا مانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد..." بنابراین فقط هنگامی که علنی بودن دادگاه مغایر عفت عمومی یا نظم عمومی باشد میتوان به تشکیل دادگاه غیر علنی مبادرت ورزید، نه به هر علت دیگر از جمله "محدودیت مکانی".

ثانیاً: بموجب اصل ۳۵ قانون اساسی "در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانائی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد" ولی موکل عملاً از چنین حقی محروم شده است.

اینجانب در تاریخ ۵۹/۳/۱۴ طی تلگرافاتی بعنوان آقای دادستان کل انقلاب که رونوشت آن برای جناب عالی، ریاست دادگاه انقلاب و روزنامه های صبح و عصر ارسال شد آماده گوی خویش را برای دفاع از آقای محمدتقی شهرام الاقل نمودم. نامبرده نیز مراتب قبولی و کالت مرا به آقای دادستان اطلاع داد. علاوه بر اینکه وکالت نامبرده به زندان ارسال شد، طی تلگرافاتی های متعدد درخواست نمودم وقت محاکمه و کیفرخواست با اینجانب ابلاغ شود و پیرونده را برای مطالعه در اختیار بگذارند. اما همه این درخواستها بدون پاسخ ماند. مقامات زندان چند روز قبل از محاکمه به سیاق بیدادگاههای نظامی رژیم فاسد پیشین لیستی از وکلای مورد اعتماد خود را به آقای شهرام الاقل ارائه نمودند و فقط ساعت بیست و یکشنبه آقای رئیس زندان به خانواده متهم اطلاع داد که اینجانب صبح دوشنبه (روز محاکمه) برای انجام آزمایش فقه به زندان اوین مراجعه کنم و من ناگزیر تذکره کردم که تسلیم این خواسته غیر اصولی نخواهم شد. ولی ذهن موکل چنان مشوب شده بود که ساعت سیزده و نیم روز دوشنبه ۵۹/۴/۲۳ یعنی نیم ساعت قبل از آغاز محاکمه طی یک تماس تلفنی از من خواست در صورتی که نمی -

ترسم، برای دفاع از ایشان به زندان اوین مراجعه کنم. وقتی پیشنهاد غیر اصولی مقامات دادستانی را به موکل تذکره کردم، او در حضور رئیس زندان اظهار داشت مقامات دادستانی از این خواست غیر اصولی صرف نظر کرده اند. اینجانب بلافاصله به زندان اوین مراجعه کردم ولی بجای آنکه در آخرین لحظات قبل از تشکیل دادگاه با موکل ملاقات کنم، به اطاقی هدایت شدم که اعضا دادگاه و افراد دیگری در آن حضور داشتند. از استقبال سردی که با سنتهای اسلامی و ایرانی فاصله بسیار داشت درک کردم که آنها به تصمیم خود دادرسی بر عدم اجازه ورود وکیل وکیل دادگستری "به دادگاههای انقلاب پا برجا هستند و در مقابل پیشنهاد آنان جهت انجام آزمون فقه (چیزی که مطلقاً با مسئله پاسخگویی به یک کیفرخواست سیاسی بی ارتباط است) مودبانانه تذکره کردم که تسلیم هیچگونه امتحانی نخواهم شد، نه فقط بخاطر آنکه تمکین از چنین خواستی هتک حرمت حرفه بین المللی و کالت وکلای دادگستری و دانشکده حقوق است بلکه بدان جهت که برخلاف قانون اساسی نیز هست.

بدین ترتیب مقامات دادگاه انقلاب عملاً را را بر حضور موکل در دادگاه بستند.

ثالثاً: برخلاف کلیه موازین حقوقی و عدالت اسلامی، به نحو وسیعی تلاش شده است که موکل را قبل از انجام محاکمه و در حین آن در افکار عمومی محکوم نمایند. بعنوان مثال از موارد غیر قابل شمارش تحریک افکار عمومی میتوان نمونه های زیر را مورد توجه قرار داد:

۱ - پخش فیلمی از جریان مواجهه محسن خاموشی و... با خانواده شریف واقفی که در زمان شاه توسط ساواک ساخته و پراکنده شده و بنمایش درآمده بود، از تلویزیون، بیبانه سالگرد شهادت مجاهد شهید، شریف واقفی.

۲ - پخش برنامه های مخصوص از رادیو، به همین بهانه علیه متهم و ساکنان مجاهدین خلق.

۳ - انتشار ویژه نامه ای بمناسبت سالگرد شهادت مجید شریف واقفی توسط روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۵۹/۲/۱۶، سرشار از حملات و اتهامات علیه متهم و ساکنان مجاهدین خلق.

۴ - روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۵۹/۴/۱۲ به بهانه انتشار اعلامیه روابط عمومی دادستانی کل انقلاب با حروف درشت نوشته است "شهرام در اردیبهشت ۵۴... اقدام به قتل مجید نمود و سپس جسدوی را با تمام

خیانت به آتش کشید".

۵ - روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۵۹/۴/۱۹ در صفحه اول خود با حروف درشت اعلام کرده است: "تقی شہرام قاتل مجاهد شهید، مجید شریف واقفی است". همین مطلب در تاریخ ۵۹/۴/۲۴ نیز توسط روزنامه مذکور تکرار شده است.

۶ - روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۵۹/۴/۲۴ به بهانه انتشار گزارش دادگاه می نویسد: "عمردیسروز دادگاه ویژه انقلاب اسلامی مرکز بمنظور رسیدگی به پرونده تقی شہرام رهبر جریان انحرافی سازمان مجاهدین خلق و قاتل مجید شریف واقفی و صدیقه لیباف و... تشکیل جلسه داد".

۷ - روزنامه اطلاعات در شماره مورخ ۵۹/۴/۲۵ بهانه گزارش جریان محاکمه درباره فرار شجاعانه و انقلابی موکل آرزندانهای مخوف شاه (سال ۱۳۵۲) چنین می نویسد: "در بین کادرهای رهبری مجاهدین این تردید وجود داشت که طرح فرار محمد تقی شہرام آرزندان ساری و پیوستن مجدد او به سازمان مجاهدین طرحی بوده است که ساواک ریخته و وسایل آنرا از زندان ساری ساواک فراهم کرده است...".

۸ - روزنامه صبح آزادگان مورخ ۵۹/۴/۲۶ در صفحه آخر خود تحت عنوان "اصلا دادگاه انقلاب چه حقی دارد که قاتلان را مجازات کند؟" با چنان عبارات موهنی از موکل یا می کند که نقل آن شرم آور است. و اینها همه در حالتی است که مطبوعات بندرت، حتی درخواستهای قانونی اینجانب و خانواده اش را منعکس ساخته اند و حتی در طول بیش از یکسال بازداشت در سلولهای انفرادی به او اجازه داده نشده است به اتهامات پاسخگوئی کند.

ب- نقض اصل بیطرفی دادگاه

قرائن بسیار نشان میدهد که در حقیقت دادگاهی که در غیاب محمد تقی شہرام به داوری اعمال او نشسته است نه یک دادگاه بیطرف که یک نیروی سیاسی است و آنکه محاکمه میشود نه تقی شہرام که سازمانهای انقلابی است.

تاسیس یک دادگاه ویژه و گماردن آقای معادیخواه (که اگر رسماً عضو حزب جمهوری اسلامی نباشد روابط بسیار نزدیکی با حزب مذکور قایل کتمان نیست) در رأس این دادگاه خالی از معنا نیست، مخصوصاً در شرایطی که حزب جمهوری اسلامی با برخورداری از امکانات وسیع، از جمله روزنامه، مساجد و رادیو و

تلویزیون، تمام تلاش خویش را برای بیرون راندن نیروهای رقیب از صحنه بکار گرفته است و بیرون راندن آنها می نیز در رابطه مستقیم با برخی از نیروهای سیاسی قرار دارد.

آقای معادیخواه، علاوه بر اینکه کاندیدای نمایندگی مجلس شورای ملی از طرف حزب جمهوری اسلامی بوده و عضو فراکسیون آن حزب در مجلس میباشد در سمینار انقلاب فرهنگی نیز به نمایندگی آیت الله موسوی اردبیلی عضو مرکزیت حزب شرکت کرده است. آقای معادیخواه در سخنرانیهای متعدد خود سازمان مجاهدین خلق را مورد حمله قرار داده است، اگرچه این سخنرانیها به تنهایی نمیتواند بیان عقاید ایشان تلقی گردد.

ولی وقتی موضوع اتهام در رابطه با سازمانی عنوان میشود که مورد حمله آقای معادیخواه است، چگونه میتوان از ایشان انتظار داشت در دادرس بیطرف بماند؟

آقای معادیخواه در جلسه دوم دادگاه اظهار میدارد: "امروزانگار که دیواری کوتاهتر از حزب جمهوری اسلامی پیدا نمیشود و هر مسئلهای را متوجه این جریان می کنند... و در جای دیگر بنقل قول از آیت الله طالقانی اظهار میدارد: "... به ما پیام دادند اگر با ما مخالفت کنید همه شما (طالقانی، رفسنجانی، مهدوی کنی و لاهوتی) را ترور میکنیم...".

آیا آقای معادیخواه قاضی دادگاه است یا به نیابت از دادستان اعلام جرم میکند؟ آقای معادیخواه در همین جلسه دادگاه اظهار میدارد: "انقلاب اسلامی ایران در برابر آمریکا تسلیم نشد، چه برسد در مقابل خواست شما و سازمانی که چنداً سلحه کش دارد...".

آیا این نحوه برخورد یک قاضی بیطرف است؟ و آیا بیان این مطلب نشانهای این نیست که آقای معادیخواه قبلاً تصمیمش را اتخاذ کرده است؟

آقای رئیس جمهور!

چگونه میتوان در اولین ماههای استقرار نهاد های جمهوری اسلامی شاهد محاکمهای بود که در آن نه وکیل وجود دارند نه متهم، نه قاضی بیطرف؟

محمد تقی شہرام آمادگی خود را برای حضور در دادگاه بیطرفی که صلاحیت رسیدگی به اتهامات او را دارد بارها اعلام کرده است. به او فرصت دهید از خود دفاع کند. این تنها وسیله ممانعت از مخدوش ساختن چهره خونین انقلاب ایران است.

آقای رئیس جمهور ا
 با مسئولیت خطیری که بعنوان ریاست جمهوری در برابر انقلاب و قانون اساسی
 دارید محاکمه غیابی و غیر عادلانه ای را که در زندان اوین در جریان است متوقف سازید.

با تقدیم احترام - هادی اسماعیل زاده
 وکیل محمدتقی شهرام

رونوشت : قم، دفتر حضرت آیت الله العظمی منتظری
 ریاست محترم دادگاه انقلاب اسلامی تهران
 آقای دادستان محترم کل کشور
 اتحادیه بین المللی حقوقدانان دمکرات
 روزنامه های کیهان، اطلاعات، انقلاب اسلامی، با مداد، هفته نامه امت

Hadi Esmailzadeh

Doctor en Droit

Avocat a la Cour

216 Ave. Mossadegh - Téhéran

tel. 649713

دکتر هادی اسماعیل زاده

وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

تهران - خیابان مصلحی - چهارراه امیر اکرم - شماره ۲۱۶

تلفن ۶۴۹۷۱۳

ادبانه مطبوعاتی

۵۹/۸/۷۷

مردم مبارز میزرافتند ایران

ایفک محمد تقی میرام و مبارز در رژیم شاه که پیش از یکسال است در سلولهای انفرادی در بازداشت بسر میبرد تمهیدات دادگاه انقلاب اسلامی مرکز تهران با آنکه میبود.

مقبل من و میرام و در دادگاه محترم پیدا نکرده است زیرا با ابتدائی ترین شرایط برای دفاع را در اختیار ندارند زیرا به وکلای افتخار بهر اجازه دادند تا در دادگاه حضور پیدا کنند زیرا بر اساس حقوق ابتدائی و مسلم در رژیم پهلوی معاینه دادند و دلایل خود را در برابر مردم صلاحیت دادگاهها قلمه کردند با این حال دادگاه همچنان در ادب آگاهی میرام و وکلای مدافع او و کار خود را ننهادند است.

من آزادانه آگاه و وارد آنها نمی گم برای پامن آزادی و عدالت قانونی دمکراتیک انسانی و قانونی مردم ما می طلبد سؤال میکنم: آیا دادگاهی که بر خلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با نقض حقوق ابتدائی متهم و ملأرا ورود را نیز و وکلای می بندد از چه مشروطیتش برخوردار است؟

در شرایطی که بهر حال بسیم میگوید انقلاب ایران را به عنوان تجربه ای سترگ فرا روی خلقهای ستم کشیده و تحت سلطه مورد نکار قرار دهنده دادگاهی تشکیل شده است که:

۱- بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و صلاحیت رسیدگی بسه پرونده آنها نمی گام مایع اساسی و حقیقی و عدالتی متهم را ندارد.

۲- بر اساس قانون تشکیل شده آن در مقام صلاحیت رسیدگی بسه

۵۹/۸/۷۷

Hadi Esmailzadeh
Doctor en Droit

Avocat a la Cour
216 Ave. Mossadegh - Téhéran
tel. 649713

دکتر هادی اسماعیل زاده
وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

تهران - میدان معنی - چهارراه امیراکرم - شماره ۲۱۶
تلفن ۶۴۹۷۱۳

۱- اقبالیات موکل است و ناگزیر برای مشروعیت خود به صورتی شایسته و انقلابی استناد
میکند که خود ناظر قانون اساسی است.

۳- بر خلاف تمام مزارعین حقوقی و نص قانون اساسی و امکان انتخاب
وکیل بموکل و اجازه سخن گفتن به متهم در خدمتتاریف هر دادگاهی داده نشده
است.

۴- ریاست آن بر خلاف عدل و انصاف و اصول مسلم حقوقی بر عهده کسی است
که بعلمت مخالفت سیاسی عقیدتی و تزیینی با متهم و سازمانی که او در آن عضویت
داشته است، اسناد میدهد و بیادرف بماند.

۵- بر خلاف وجدان انقلابی مردم مزارع ایران، بر خلاف آرمانهای جدای
بخون خفته انقلاب و بر خلاف فلسفه تشکیل خود آن دادگاه، به سنا که غیر عادلانه
یا، مبارز قدیمی خدا میزالیست پرداخته است.

بدینجهت بعنوان وکیل دادگستری که قلبش همواره برای پیروزی
انقلاب ایران طپیده است و وجدان آگاه ملت ایران و آن نسته از مقامات جمهوری
اسلامی ایران که با بنداری از دستاورد ای انقلاب را با پیغمبر و شولیت تاریخی
خود میبنداشده بیاری می و اللیم تا با جاسو گیری از ادا به معاکمهای چندن خمیسر
عادلانه اجازه ندهند مهربا لیسیم و مزدورانی چون شاه جلاد، اوپسی و بتقیار
و..... دلشاد گردند.

با تقدیم احترام - هادی اسماعیل زاده
وکیل محمدرتقی شهرام

۵۹۴۲۷

۵۹/۱

Prene information.

Seul guerrier et honorable d'Iran.

Maintenant Mohamad Taghi Chahram, guerrier contre la régence de Chah qui est plus qu'un an arrêté et se trouve dans la seule île, va être jugé par le tribunal de la révolution islamique,

Mon commettant, Chahram, ne s'est pas présenté au tribunal

- car : Il n'avait pas les conditions primitives pour se défendre

- car, ~~il n'avait pas~~ ses avocats choisis n'ont pas eu

la permission de se présenter au cours du tribunal,

- car au contraire des conditions primitives de chaque

accusé, ~~ils n'ont pas obtenu~~ ~~contraire~~ ils n'ont pas

accordé in de lui que'il dit ses arguments a propos de la

non existence de la capacité de ce tribunal.

Cependant le tribunal continue son travail pendant l'absence

de M. Chahram et ses avocats.

1/2/39/2

Je pose une question aux mémoires attentives et aux cœurs

qui veulent ^{garder} la liberté et ^{les} droits démocratiques de

Il y a un tribunal qui a été créé pour juger les...

~~Le~~ La constitution de la République Islamique
d'Iran ~~est~~ ^{qui} ~~ferme~~ en me demandant pas la permission
à l'accusé et ses avocats d'être présents au cours
du tribunal, abolit les ~~droits~~ droits primitifs d'accusés,
à aucun légalité?

Dans cet condition que l'imperialisme fait un effort de
disavouer la révolution d'Iran comme un expérience

- en face des peuples et durantes, ce tribunal ~~est~~
~~est~~ forme:

- selon la constitution de la République Islamique
d'Iran n'a pas la capacité de s'enquêter le dossier ^t accusés
tout à fait politique de l'accusé

- selon la loi, la personne qui il l'a forme aussi n'a
pas la capacité d'enquêter les accusations de mon
commettant, et ils sont forcés pour l'legalité, ils s'appuient
à l'approuvé du conseil de la révolution dont celui
est contre la constitution.

۱۳۸۳/۳/۲۲

Au contraire de toutes les mesures de droits humains et l'abolition de la constitution, ils n'ont pas donné la permission de choisir un avocat et parler jusqu'à la limite médiocre de chaque tribunal.

- La ~~Présidence~~ Présidence de ce tribunal, au contraire de la justice et les éléments sûrs des droits humains, est avec ~~une~~ ^{de} personne qui a cause du contraste politique et Part, avec l'accusé et avec l'organisation que l'accusé est le membre, ne peut pas ~~être~~ ^{rester} neutre.

- Au contraire, de la conscience révolutionnaire du peuple guerrier, le but des martyrs et la philosophie de la formation de ce tribunal, il continue à juger un ancien guerrier contre l'impérialisme.

1-1-1/3

Hadi _ Esmailzadeh

Doctor en Droit

Avocat a la Cour

216 Ave. Mossadegh _ Téhéran

tel: 649713

دکتر هادی اسماعیل زاده
وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

تهران - خیابان مدق - چهارراه اسراکرم - شماره ۲۱۶

تلفن ۶۴۹۷۱۳

زند ان اوین - حضرت حجت الاسلام معاد یخواه

همچنانکه استحضار دارید آقای مصدق شهرام طی گفت و گوئی که خبرنگاران مطبوعات در سلول وی بنا بر برد انجام داده اند اظهار داشتند که " نامش از همسرش شریف واقعی مجاهد شهید وجود دارد که همسروی به تشکیلات میگوید من خیانتکار هستم و مرا باید اعدام کنید " .
از سوی دیگر گروهی از اعضا اسبق سازمان مجاهدین خلق ایران و اعضای سابق بخش منشعب از این سازمان طی اطلاعیه مورخ ۲۵ / ۴ / ۹۰ که کپی نسخه آن از طریق خانواده موکل در اختیار اینجانب قرار داده شده تأیید کرده اند نامه مورد بحث در رایگانیها و آرشیوهای بخش منشعب از مجاهدین موجود است . نظر براینکه هر نوع مدرک و سندی در وضع متهم موثر است و تا نامه مذکور سایر مدارکی که مورد نیاز موکل است ضمیمه پرونده نشود پرونده ناقص است و نقص پرونده موجب عدم آگاهی دادگاه بر قسمتی از واقعات و نتایج تا مانع قضاوت صحیح شرعی و قانونی خواهد بود با جلب مجدد توجه شما به رعایت موازین شرعی و قانونی خواهشمند است محاکمات اراکله مدارک مورد بحث و تکمیل پرونده به معنویان تنفس تعطیل فرمائید .

باتقدیم احترام - هادی اسماعیل زاده

وکیل مصدق شهرام

رونوشت به ریاست دیوان عالی کشور

دادستان محترم کل کشور

روزنامه های جمهوری اسلامی - یاداد - کیهان - اطلاعات - هفته نامه است

۷۰ / ۹

اظهارات رفیق شهرام در زندان اوین در مقابل پرسش‌های خبرنگاران حاکی از این است که رفیق نیاز به اسناد و مدارک درون سازمانی دارد. ما ضمن اینکه به همراه سایر رفقای بخش منشعب میکوشیم اسناد و مدارک لازم را از بایگانیها و آرشیوها جمع‌آوری و آماده نمائیم اعلام میدارم همانطور که رفیق شهرام اظهار داشته است، نامه ای از همسر شریف واقفی وجود دارد که همسر شریف واقفی به تشکیلات میگوید من خیانتکار هستم و مرا باید اعدام کنید. این نامه مدت چند ماه بعد از اینکه نویسنده نامه و شهید مجید شریف واقفی در خفا دست به اقداماتی برخلاف انضباط و موازین تشکیلاتی میزنند نگاشته شده و در اختیار مسئولین سازمانی قرار میگیرد. این نامه بخوبی گواه است که چه مقرراتی در یک سازمان چریکی در شرایط جنگ رود رو با دشمن تا بدندان مسلح جریان دارد و چگونه رفقاءیکه چنین مقرراتی را نقض میکنند خود انتظار مجازات سنگین را میکشند. این نامه از جمله اسناد و مدارکی است که بخوبی میتواند چهره کسانی را که میکوشند جریان شهادت تاسف بار مجید شریف واقفی که معلول منشاء طبقاتی نیروهای انقلابی، شرایط خفقان و دیکتاتوری خشونت بار پلیسی، وضعیت جنگی سازمان و انضباط و مقررات ناشی از آن، جوانی و بی تجربگی جنبش در حل معضلات ایدئولوژیک، سیاسی، سازمانی میباشد و در مجموع در جریان یک مبارزه سهگین، فداکارانه و خونبار علیه رژیم شاه خائن و اربابان امپریالیستش روی داده است، را بعنوان یک حادثه جنائی قالب بزنند افشاء کند.

نامه مورد بحث در بایگانیها و آرشیوهای بخش منشعب از مجاهدین موجود است ما در صدد هستیم بکمک سایر رفقا آن را از میان انبوه مدارک و اسناد موجود در بایگانیها استخراج نمائیم. بدیهی است در صورتیکه دادگاهی یا مشخصاتی که ذکر کردیم تشکیل شود، حضور این نامه و سایر اسناد و مدارک را ارائه خواهیم نمود. حتی اگر در همین محاکمه رسوائی که جریان دارد، به وکیل منتخب رفیق شهرام اجازه ملاقات با شهرام و بررسی و مطالعه پرونده وی داده شود، ما نامه را به همراه سایر اسناد مدارک در اختیار وکیل منتخب وی قرار خواهیم داد.

گروهی از اعضا سابق س.م.خ ۱۰ و اعضای سابق بخش منشعب از این سازمان

۵۹/۴/۲۵

تذکره: نسخه ای از این اطلاعیه برای کلیه روزنامه های صبح و عصر تهران و خانواده رفیق شهرام و همچنین

نشریات سیاسی زیر فرستاده میشود کار - پیکار - روزندگان - انقلاب - نبرد - حقیقت و ...

۷۱/۳

Ainsi que vous êtes informé, Monsieur Mohamad Taghi Chahsa pendant sa conversation avec les reporters des presses dans le seulet isolé a déclaré : Il y a une lettre dans laquelle femme de Chahf Vaghef a réclamé à l'organisation : je suis confide, vous devez m'exécuter.

Autre part, une groupe des membres précédents de l'organisation "Vojahedin Khatoli" et les membres précédents de la division ramifiée de cette organisation ont affirmé dans une information datée 25/4/59 (16 juillet 1980) dont sa famille m'a donné une copie. Cette lettre se trouve dans l'archive de la division ramifiée de l'organisation.

Attendu que toute sorte de preuve est efficace dans la situation de l'accusé et que tant cette lettre et autres preuves qui sont nécessaires pour mon commettant ne ~~se~~ seront pas ajoutés au dossier, celui-ci est incomplet et un dossier incomplet causera l'absence des renseignements des parties des vérités.

au tribunal et à la fin me permettra pas de juger
proprement.

En attirant votre attention au subvention juridique
je desire, jusqu'à ce que ce dossier ^{soit} ~~est~~ incomplet,
vous declarez le tribunal en récréation.

Hadi Esmailzadeh.

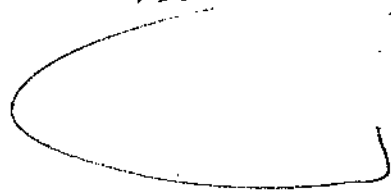
www.iran-archive.com

ZCZC FIR934 YKJ065 700211A 2480
IPTM CO FRXX 146
NANTESCALTTELPRIGNY 146/138 23 1727 PAGE 1/50

23-7-80

2200

HADI ESMAILZADEH AVOCAT
216 AV MOSSADEGH
TEHERAN



523

REGRETS N AI PU OBTENIR VISA IMPOSSIBLE TELEPHONER STOP VOICI TEXTE
TELEGRAMME ADRESSER PRESIDENT TRIBUNAL 6 JUILLET
HONNEUR PORTER VOTRE CONNAISSANCE NOTRE IMPOSSIBILITE ASSISTER
7 JUILLET PROCES TAGHI CHARAM ANTERIEUREMENT PREVU 14 JUILLET EN
RAISON DELAI OBTENTION VISA ESPERONS QUE VOTRE TRIBUNAL ACCEDERA

COL 216 6 14

2430 HADI ESMAILZADEH PAGE2/50

DEMANDE JUSTIFIEE DEFENSE IRANNIENNE DE RENVOI VOUS PRIONS CONSIDERE
QUALITE RESISTANT CHARAM OPPOSANT AUTENTIQUE REGIME REZA PAHLEVI
ET VICTIME DE SA REPRESSION QUE NOUS AVONS ESSAYES DE COMBATTRE
CHEZ VOUS ET EN FRANCE SOUHAITONS QUE DANS UN ESPRIT DE JUSTICE
UNIVERSELLE MESURE D AMNISTIE GENERAL POUR TOUS ACTES COMMIS PAR
ORGANISATIONS

COL 0K

2430 HADI ESMAILZADEH PAGE 3/38

DE RESISTANCE SOUS REGIME SHAH RESPECTUEUSEMENT BEAUVILLARD
SCHMIDELIN AVOCATS STOP APPRENDRE CE JOUR REQUISITIONS PEINE
CAPITALE ESPERE VOUS LE SAUVEREZ DE DLA MORT DE TOUT COEUR
AVEC VOUS

BEAUVILLARD TEL ACTUEL 40827593 PRIGNY(44580)
LES MOUTIERS EN RETZ

COL 40827593 PRIGNY(44580)

Y M/D

CATION COMPANY OF IRAN TELEGRAM

و الله اعلم
در این کتاب از کتاب قرآن و حدیث
نویسندگان (لاشک) مطمح ناسد دارند و جامع کند
محرران این مضمون از طرف آقا قده علیه السلام

www.iran-archive.com

دری نوشته همراه آفرین نامه های آتای تقی سپهرام از زندان خارج شده
است و با ترمیم به مذاکرات روزهای ولیدی سیاه دی دمسد لاج دارستانی
به اقبال قرین به تقی بستن به کسی از مسد لاج رزم اول دارستانی
است که در تاریخ سنوات اسلام به رشته تحریر آمده است